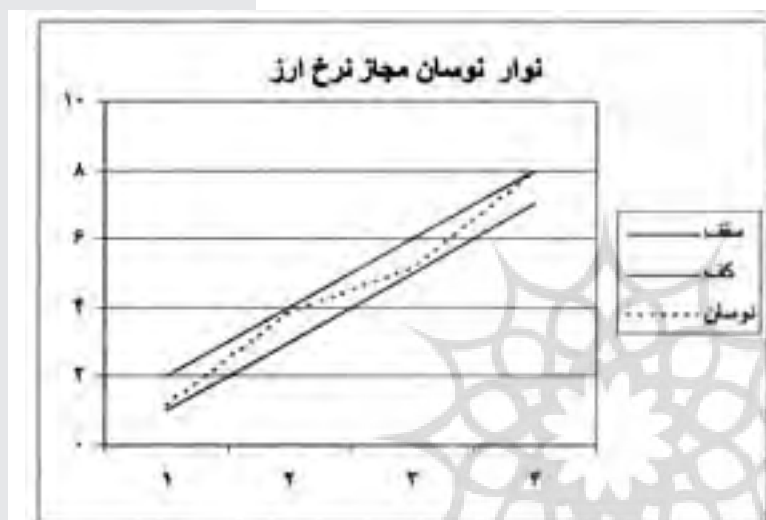


آثار نرخ ارز بر بخش واقعی^(۱)

کامران سپهری

نمودار شماره یک



دستاوردهای اساسی و ساختاری نظام مالی محسوب می‌شود و می‌تواند سبب تخصیص بهینه ارز و شکوفایی اقتصادی بیشتر گردد.

با آنکه نرخ مبنای انتخابی در آن زمان (۸۰۰۰ ریال = یک دلار) به نظر برخی از مقامات بانک مرکزی بیش از حد (۳) بود و نگران بودند که دلار ۸۰۰۰ ریالی مشتری نداشته باشد، ولی صاحبان صنایع و صادرکنندگان، این نرخ را پایین می‌دانستند و بر این باور بودند که انگیزه‌ای برای صادرکنندگان ندارد و سبب ارزان شدن واردات و بالا رفتن قدرت رقابتی واردات می‌گردد.

نوسان نرخ ارز عمدتاً ناشی از تغییر برابری قدرت خرید پول کشور در برابر پول‌های خارجی است که یا با معیار برابری قدرت خرید^(۴) و یا به‌طور ساده‌تر، با مقایسه شاخص قیمت برای مصرف‌کننده قابل محاسبه می‌باشد.

در روش نخست، نوسان قیمت یک زنبیل مشابه خرید در کشورها مقایسه می‌گردد، ولی یافتن کالاهای کاملاً دارای کیفیت مشابه در کشورها، مشکل و حتی در مواردی غیرممکن است. به‌علاوه، الگوی مصرفی کشورها، به‌ویژه با کشورهای اسلامی، متفاوت است. اما در روش مقایسه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی کشورها، در هر کشور زنبیلی از

تا چند سال قبل، نرخ‌های ارز متفاوتی در کشور وجود داشت و براساس نوع مصرف و درجه ضرورت آن، کم و زیاد می‌شد. در آن دوران، هر فرد حقیقی یا حقوقی سعی داشت تا نیاز ارزی خود را ضروری نشان دهد و ارز ارزان‌تری را به دست آورد و چه بسا آن را در بازار موازی به فروش برساند.

در سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ پس از انجام مطالعات بسیار و برگزاری جلسات متعدد، تصمیم گرفته شد که نرخ واحدی برای ارز تعیین و از ابتدای سال ۱۳۸۱ به کار گرفته شود. در این راه، نظام ارزی "شناور مدیریت شده" به کار گرفته شد، و پس از تعیین ارزش ریالی ارز خارجی (دلار آمریکا)، این نرخ در معرض عرضه و تقاضا قرار گرفت تا نوسان نماید و شناور شود، ولی اگر نوسان شدید باشد، بانک مرکزی در بازار ارز مداخله نماید و اجازه نوسان بیش از حد، مثلاً از به‌اضافه تا منهای پنج درصدی را ندهد (مانند اقتصادهای پیشرفته جهان)^(۵) به این ترتیب که افزایش قیمت ارز خارجی به ریال تا حدود این نوار مجاز باشد (نمودار شماره یک) و اگر نوسان شدید بود، مقامات بانک مرکزی اقدام به مداخله یا مدیریت نرخ ارز نمایند. ولی ضریب زاویه نوار مجاز نوسان ارز توسط تفاوت نوسان قدرت خرید پول ملی و ارزهای طرف تجاری با کشور مشخص می‌گردد.

شایان ذکر است که ایجاد سیاست ارزی واحد، یکی از

اکنون با گذشت حدود هشت سال از زمان یکسان سازی نرخ ارز، قیمت دلار از حدود ۸۰۰۰ ریال، به حدود ۱۰۰۰۰ ریال رسیده است که حدود ۱۲ درصد نسبت به سال پایه (۱۳۸۱) رشد نشان می‌دهد.



متداول ترین مصارف خانوارهای آن کشور انتخاب می شود و نوسان قیمت آن زنبیل مصرفی، مورد مقایسه قرار می گیرد. اکنون باگذشت حدود هشت سال از زمان یکسان سازی نرخ ارز، قیمت دلار از حدود ۸۰۰۰ ریال، به حدود ۱۰۰۰۰ ریال رسیده است که حدود ۱۲ درصد نسبت به سال پایه (۱۳۸۱) رشد نشان می دهد. طی این مدت، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در ایران معادل ۱۲۹ درصد و در آمریکا برابر ۱۹ درصد رشد داشته است (نمودار شماره دو). بنابراین، در این سالها قیمتها در ایران حدود ۱۱۰ درصد بیشتر بالا رفته یا به زبانی دیگر، حدود ۱۱۰ درصد از ارزش برابری ریال کاسته شده است.

بالا نگهداشتن نرخ برابری ریال، دارای آثار منفی بر بخش واقعی اقتصاد است. فرض کنید که یک خودروی متوسط چینی به ارزش ۱۰ هزار دلار وارد کشور می شود که با نرخ ارز فعلی به پول ایرانی حدود ۱۰ میلیون تومان است. یک خودروی متوسط داخلی هم در حال حاضر، بیش از ۱۲ میلیون تومان قیمت دارد. بنابراین، با فرض برابری کیفیت دو خودرو، خودروی چینی، بازار این خودروی ایرانی را می گیرد و باعث کاهش تولید، درآمد و اشتغال خواهد شد. حال اگر نرخ برابری ارز آزاد گذاشته شود که در نوار تعیین شده نوسان نماید و بر اساس قدرت



ایجاد سیاست ارزی واحد، یکی از دستاوردهای اساسی و ساختاری نظام مالی محسوب می شود و می تواند سبب تخصیص بهینه ارز و شکوفایی اقتصادی بیشتر شود.

خرید پول ملی نوسان کند و مثلاً نرخ برابری آن (برای سهولت محاسبه) به ۱۶۰۰۰ ریال معادل یک دلار برسد، قیمت خودروی چینی در ایران به ۱۶ میلیون تومان افزایش پیدا می کند. البته قیمت تمام شده خودروی ایرانی نیز با توجه به داده ها یا لوازم وارداتی آن بالا خواهد رفت. گفته می شود که سهم لوازم وارداتی یک خودروی متوسط داخلی حدود ۲۰ درصد ارزش آن است. بنابراین، برابر ۱۲ درصد (۲۰٪ × ۶۰٪) بر قیمت خودروی ایرانی افزوده می گردد و قیمت آن به ۱۳/۴ میلیون تومان خواهد رسید که هنوز از قدرت رقابت کافی برخوردار خواهد بود.

در بخش صادرات نیز با کاهش نرخ برابری ریال، اجناس صادراتی ایرانی به پول خارجی ها ارزان تر تمام می شود و از قدرت رقابتی بیشتری برخوردار می گردد. نتیجه این فرایند هم افزایش تولید، درآمد و اشتغال خواهد بود.

از سوی دیگر، کشورهایی هستند که با وجود صدها میلیارد دلار ذخایر ارزی و مزاد تجاری، ارزش پول خود را پایین نگاه می دارند تا قیمت صادراتشان به پول های خارجی ارزان جلوه نماید و از این راه، بازار بسیاری از کشورها، از جمله ایران را تصاحب نموده اند و سبب کاهش تولید و افزایش نرخ بیکاری در این کشورها شده اند.

بنابراین، جا دارد که روند نرخ ارز شناور، آزادی نوسان بیشتری داشته باشد. هر چند که دولت با پرداخت جایزه صادراتی و وضع تعرفه بر واردات سعی می نماید تا مشوق صادرات باشد، ولی این مشوقها جبران شکاف تفاوت نرخ ارز را نمی نماید.

زیر نویس ها

- بخشی از این مقاله با آمارهای قدیمی در فصلنامه تازه های اقتصاد تابستان ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است.
- معمولاً حدود این نوسان یا نواری که نرخ ارز، مجاز به نوسان در آن است، اعلام نمی شود تا سفته بازان نتوانند زمان مداخله ارزی را پیش بینی کنند.

3) Over shoot.

4) Purchasing Power Parity (PPP).

منابع

- www.cbi.ir
- www.inflation.com/inflation_price_index/currentCPI.sap